



الگوی امانت‌داری بیت‌المال (اموال عمومی) براساس آموزه‌های اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۲/۰۹

چکیده

از دیدگاه اسلام، اموال عمومی یا بیت‌المال متعلق به همه مردم هستند و همه در قبال حفظ، حراست و نگهداری از آن‌ها مسئول و متعهد می‌باشند، اما براساس آموزه‌های اسلامی نقش و مسئولیت مدیران و کارگزاران دولت اسلامی در این خصوص حساسیت بیشتری دارد. در این مقاله که مبتنی بر بررسی کتابخانه‌ای و ادبیات موضوع می‌باشد، سعی بر این است براساس آموزه‌های اسلامی، موضوع امانت‌داری، حفظ و نگهداری بیت‌المال به‌عنوان وظیفه قانونی و تکلیف شرعی مدیران و کارکنان، بویژه مدیران و کارکنان لجستیک، مورد بررسی قرارگیرد.

به‌طورکلی، می‌توان گفت براساس بینش اسلامی، اموال عمومی برای کارگزاران دولتی امانت محسوب می‌شود و حفظ و نگهداری آن، نه تنها از لحاظ قانونی تکلیف و وظیفه است؛ بلکه از لحاظ شرعی واجب می‌باشد؛ به‌طوری‌که هرگونه تعدی، تفریط یا عدم دقت در حفظ و نگهداری بیت‌المال، خیانت در امانت محسوب شده و حرام است و عقاب الهی را در پی خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: اسلام، امانت‌داری، بیت‌المال، اموال عمومی، حفظ و نگهداری اموال، خیانت در امانت.

مقدمه

از دیدگاه اسلام، تمام کارکنان و کارگزارانی که به گونه‌ای با اموال عمومی ارتباط دارند، به‌عنوان امانت‌دار اموال یا امین مردم تلقی می‌شوند، و لازم است به‌وظایف خود (به‌عنوان امین) آشنا بوده و به آن‌ها عمل نمایند. این وظایف در متون اسلامی (احادیث و روایات) چندین بار گوشزد شده است. بویژه، امام علی^(ع) دربارهٔ حفظ و نگهداری بیت‌المال و دقت در مصرف آن، نامه‌های متعددی به کارگزاران خود نوشته است که در هر کدام از آن‌ها نکات ارزشمندی یافت می‌شود که برای کارگزاران نظام اسلامی، رهنمودهای مناسبی در تمام دوران‌ها محسوب می‌گردند.

اسلام از زوایای مختلفی به موضوع اموال عمومی می‌پردازد؛ از نظر ارزش مالی حرمت خاصی برای اموال قائل است، تا جایی که دفاع از اموال را واجب و تصرف بدون اذن در مال دیگران را جایز نمی‌داند. تصاحب غیرقانونی بیت‌المال به هرنحو جرم تلقی می‌شود و مجرم مستوجب کیفر و مجازات دنیوی و اخروی خواهد بود. بنابراین از دیدگاه اسلام، حفظ و نگهداری از این امانت عمومی برای کارگزاران دولتی نه تنها از نظر قانونی تکلیف و وظیفه است؛ بلکه از نظر شرعی واجب می‌باشد. از سویی دیگر "اختلاس، خیانت در امانت، کلاهبرداری و تصرفات غیرقانونی جرایمی است که به‌طور معمول در اموال عمومی صورت می‌گیرد و مجازات‌های مختلفی را در قالب حد و یا تعزیر در پی خواهد داشت" (حق پرست، ۱۳۷۸).

تعدی به بیت‌المال و اختلاس در اموال عمومی از جمله مشکلاتی است که هر حکومتی با آن دست به‌گریبان است. بخشش‌های بی‌ضابطه، اسراف، تبذیر، تخلف و کوتاهی کردن و سهل‌انگاری از جمله مطالبی است که متأسفانه توسط برخی از دست‌اندرکاران و کارگزاران دولتی، دربارهٔ بیت‌المال در کشور ما مشهود و در این رابطه پرونده‌های زیادی تشکیل شده است. از این‌رو بحث و بررسی مبانی دینی امانت‌داری، اهمیت و ضرورت زیادی دارد. شناخت و آگاهی از این موضوع، ضمن این که ممکن است مدیران و کارکنان (بویژه مدیران و کارکنان لجستیکی) را نسبت به انجام وظیفه قانونی و تکلیف شرعی

حساس‌تر نماید، مسئولان و سیاست‌گذاران را نیز ترغیب می‌نماید بر اساس اصول و مبانی اسلامی، طرح‌ها و قواعد لازم را تدوین کرده و اجرا نمایند.

بنابراین، هدف کلی در این مقاله این است که موضوع امانت‌داری، حفظ و نگهداری بیت‌المال به‌عنوان وظیفه قانونی و تکلیف شرعی مدیران و کارکنان، به‌ویژه مدیران و کارکنان لجستیکی بر اساس آموزه‌های اسلامی بررسی شود. از این رو ابتدا بیت‌المال، ویژگی‌ها و ضرورت توجه به آن توصیف و سپس موضوع امانت‌داری، خیانت در امانت و مصداق‌های آن مطرح می‌شود و در نهایت رهنمودهای اسلام در مورد امانت‌داری مورد بحث قرار می‌گیرد.

بیت‌المال و ویژگی‌های آن

از آنجا که محور اصلی این مقاله اموال عمومی یا بیت‌المال است، لازم است در مورد این واژه و تاریخچه به‌کارگیری آن به‌صورت دقیق‌تر بحث شود. اصطلاح بیت‌المال مرکب از دو واژه «بیت» و «مال» به‌معنای خانه اموال و دارایی‌ها می‌باشد و از نظر لغوی با واژه‌های خزینه مملکت و خزانه دولت اسلام معنی شده است (عمید، ۱۳۶۱). اگر چه این اصطلاح از نظر مفهوم صوری به‌معنای مکانی است که در آن اموال عمومی نگهداری می‌شوند. اما به‌صورت مصطلح، امروزه بیشتر به‌معنای اموال عمومی و حکومتی و هرآنچه مردم به نحوی در آن حق دارند، به‌کار می‌رود.

با نگاهی به منابع روایی و تاریخی، مشخص می‌شود که لفظ بیت‌المال و استعمال آن در زمان پیامبر اکرم^(ص) رواج یافته است. به‌هرحال، بیت‌المال، اموالی هستند که اختیار هزینه‌کردن آن‌ها به دست امام است؛ مانند غنایم جنگی، خراج، جزیه، زکات، اوقاف عمومی و مانند آن. درعین‌حال، کلیه اموال خریداری شده یا در حال استفاده در سازمان‌های دولتی و نظامی نیز در حکم بیت‌المال محسوب می‌شوند (جلالی و بی‌طرف؛ ۱۳۸۴). بنابراین، کلیه اموال و ثروت‌های عمومی نظیر وسائط‌نقلیه، تجهیزات و ماشین‌آلات،

اماکن و مستغلات، معادن، صنایع و کارخانجات دولتی، بانک‌های دولتی و تمامی موجودی خزانه دولت و مانند آن، بیت‌المال محسوب می‌شوند و به همه مردم تعلق دارند. به‌طورکلی، در فرهنگ اسلامی بیت‌المال عبارت است از همه امکانات، تجهیزات، ابنیه یا اموالی که در جامعه جنبه عمومی دارد و متعلق به عموم مردم است.

جدول ۱: بیت‌المال و ویژگی‌های آن

تعریف	ویژگی‌ها	نمونه
تمامی امکانات، تجهیزات و ابنیه‌ای یا اموالی که در جامعه جنبه عمومی دارد و متعلق به عموم مردم است.	(۱) متعلق به عموم مسلمانان است. (۲) هر فرد جامعه، در بیت‌المال دارای حق است. (۳) همه در قبال آن مسئول و باید نسبت به استفاده قانونی از آن حساس باشند.	(۱) غنایم جنگی، خراج، جزیه، زکات، اوقاف عمومی. (۲) کلیه اموال خریداری شده یا در حال استفاده در سازمان‌های دولتی، نظامی و انتظامی. (۳) کلیه اموال و ثروت‌های عمومی نظیر وسایط نقلیه، تجهیزات و ماشین‌آلات، اماکن و مستغلات، معادن، صنایع و کارخانجات دولتی، بانک‌های دولتی و تمامی موجودی خزانه دولت.
	(۴) حاکم قانونی مسلمین، مسئول حفظ و نگهداری بیت‌المال است و تصرف دیگران در آن‌ها منوط به اجازه اوست.	

با توجه به آنچه که اشاره شد، اموال متعلق به بیت‌المال ویژگی‌هایی دارند که برخی از آن‌ها عبارت است از:

۱. بیت‌المال متعلق به عموم مسلمانان است نه فرد یا افراد خاص؛
۲. هر فرد جامعه، تنها به‌عنوان عضوی از کل جامعه در بیت‌المال دارای حق است؛
۳. همه در قبال بیت‌المال مسئول و باید نسبت به استفاده قانونی از آن حساس باشند.
۴. حاکم قانونی مسلمین، مسئول حفظ و نگهداری بیت‌المال است و تصرف دیگران در آن‌ها بسته به اجازه اوست.

امانت و امانت‌داری

امانت به معنای ضدخیانت آمده و در واقع، ودیعه‌ای است که به کسی می‌سپارند تا از آن نگاهداری کند (عمید، ۱۳۶۱). اصطلاح «ودیعه»، بیشتر در منابع فقهی کاربرد دارد و فقیهان در کتاب‌های فقهی خودبایی را با این عنوان باز و در آن شرایط و مسائل امانت و امانت‌داری را توصیف نموده‌اند.

امانت‌داری در لغت به معنای درستی، امین‌بودن (معین، ۱۳۶۴) و نگاهداری و مراقبت از امانت دیگران است. احکام مربوط به امانت و امانت‌داری تحت‌عنوان «ودیعه» در رساله‌های مراجع تقلید توضیح داده شده‌اند: «ودیعه عقدی است که بیانگر جانشین ساختن دیگری در حفظ مال یا سپردن آن نزد دیگری به منظور حفظ آن برای مالک و نیاز به ایجاب و قبول (پیشنهاد و پذیرش) یا هر لفظی که بیانگر آن باشد، دارد». (امام خمینی، ترجمه بی‌آزار شیرازی، ۱۳۶۳، ص ۲۴۳).

البته، لازم به یادآوری است که در منابع اسلامی مفهوم امانت گستره وسیعی داشته و محدود به اموال نمی‌باشد و موارد دیگری چون علم و دانش، نوامیس مردم، اطلاعات و اسرار و مسئولیت‌ها را هم در برمی‌گیرد. امام صادق^(ع) در این خصوص می‌فرمایند: «کسی را نمی‌توان امین دانست، مگر این که در سه چیز که به وی امانت داده شود، آن‌ها را ادا کند: اموال، اسرار و نوامیس و اگر در دو مورد از عهده برآید و در یکی خیانت کند، امین نخواهد بود». (حرانی، ۱۳۸۱، ص ۳۱۶).

با توجه به آنچه که اشاره شد، می‌توان نتیجه گرفت که امانت‌داری عبارت است از مراقبت، حفظ و نگاهداری اموال، اطلاعات، اسرار یا هر چیز تحویل گرفته شده و دقت در مصرف یا استفاده از آن‌ها. در اسلام یکی از ویژگی‌های مؤمنان، حفظ و ادای امانت و هم‌چنین پای‌بند بودن به عهد و پیمان در برابر خالق و خلق بر شمرده شده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ (مؤمنون، آیه ۸)؛ مؤمنان کسانی هستند که امانت‌ها و عهد خود را مراعات می‌کنند».

حتی پیامبر^(ص) اوج اسلام و مسلمانی را امانت‌داری می‌دانند: «رَأْسُ الْإِسْلَامِ الْأَمَانَةُ (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۷)؛ سراسلام، امانت‌داری است».

جدول ۲: ماهیت و گستره امانت‌داری از دیدگاه اسلام

تعریف	گستره امانت‌داری	ماهیت امانت‌داری از دیدگاه اسلام
نگهداری و مراقبت از امانت (هر آنچه که به فرد بسپارند).	(۱) اموال (۲) علم و دانش (۳) ناموس مردم (۴) اطلاعات و اسرار (۵) مسئولیت‌ها	(۱) اصل و ریشه دین است. (۲) از نشانه‌های ایمان است. (۳) صفت اصلی پیامبر اسلام است. (۴) از ویژگی‌های نیکوکاران است. (۵) مسئولیت مهم زمامداران و گارگزاران است. (۶) از تکالیف اصلی انسان در مقابل پروردگار است.

ایشان هشدار می‌دهند: «لا ایمانَ لِمَن لا أمانه لَهُ» (مجلسی، ج ۷۲، ص ۱۹۸)؛ کسی که امانت‌دار نیست، ایمان ندارد».

به‌طور مشابهی، امام علی^(ع) اصل و ریشه دین را امانت‌داری و وفاداری به پیمان‌های خویش برمی‌شمارد: «أصل الدین أداء الأمانه و الوفاء بالعهود» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۲)؛ ریشه دین، ادای امانت و وفای به پیمان‌ها است».

یکی از صفاتی که پیامبر اسلام^(ص) به آن معروف است، «امانت‌داری» می‌باشد؛ به‌طوری‌که یکی از القاب ایشان در بین قریش «محمد امین» بوده است، زیرا مردم و حتی کفار، اشیای گران‌بهای خود را نزد آن حضرت به امانت می‌سپردند و به ایشان اعتماد داشتند. حتی در شب هجرت، ایشان امانت‌های مردم را - که اغلب از کفار بودند - نزد «ام ایمن» نهاد و به امام علی^(ع) فرمود که در موقع مناسب به صاحبانش بازگرداند. دلیل اصلی که «خدیدجه» - که آن زمان از بازرگانان قریش در مکه بود - از وی خواست زمام تجارت او را برعهده بگیرد و از طرف او در بازرگانی قریش شرکت کند و مال‌التجاره او را در شام بفروشد، همین صفت امانت‌داری او بود. در این خصوص، «خدیدجه» در پیغامی به آن حضرت بیان می‌دارد: «چیزی که مرا شیفته تو نموده است، همان راست‌گویی، امانت‌داری و اخلاق پسندیده تو است». (سبحانی، ۱۳۷۳)

اهمیت امانت‌داری، نگهداری و حراست بیت‌المال

از برجسته‌ترین مصادیق امانت‌داری، مراقبت و نگهداری اموالی است که به امانت به انسان سپرده می‌شود. امام باقر^(ع) امانت‌داری را از نشانه‌های ایمان برمی‌شمارند: «مؤمن کسی است که مسلمان‌ها او را برمال‌وجان خویش امین و قابل اعتماد بدانند» (کلینی، ۱۳۶۵، ص ۲۳۴).

از دیدگاه اسلام مسئولین و زمامداران، در واقع افرادی هستند که بار امانت سنگینی را بردوش دارند و در قبال آن مسئول هستند. از این‌رو نقش و مسئولیت امانت‌داری از جمله مسئولیت‌هایی است که برعهده مسئولان و کارگزاران دولتی قرار دارد و دارای اهمیت و حساسیت بسیار زیادی می‌باشد. مولای مؤمنان علی^(ع)، در نامه‌ای به «اشعث بن قیس»، والی وقت آذربایجان، در مورد اهمیت این مسئولیت، چنین نوشته‌اند: «بی‌گمان مسئولیتی که به تو سپرده شده است نه لقمه‌ای چرب، بلکه بار امانتی است که بردوش تو قرار گرفته است و تو در پاسداری از آن باید در برابر مافوق خودت پاسخ‌گو باشی... در دست تو اموالی از ثروت‌های خدای بزرگ و عزیز است و تو خزانه‌دار آنی تا به من بسپاری...» (نهج‌البلاغه، نامه ۵).

همچنین ایشان امانت‌داری را همانند راست‌گویی، از ویژگی‌های نیکوکاران می‌دانند و می‌فرمایند: «الزَمِ الصَّدَقَ وَ الْإِمَانَةَ فَإِنَّهُمَا سَجِيَّةُ الْإِبْرَارِ (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۸۷)؛ ملازم راست‌گویی و امانت باش که این دو از شیوه و اخلاق نیکان است».

امام علی^(ع) معتقد است فردی که امانت‌دار خوبی نیست، نمی‌تواند راز نگهدار مطمئنی نیز باشد: «لَا تُؤَدِّ عَنَّ سِرِّكَ مَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۶۲)؛ رازت را به کسی که امانت‌دار نیست، مسپار».

به نظر ایشان ادای امانت از تکالیف اصلی انسان در مقابل پروردگار است: «ثم اداء الامانه، فقد خاب من ليس من اهلها (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۹)؛ یکی دیگر از وظایف الهی، ادای امانت است. آن کس که امانت‌ها را ادا نکند، زیان‌کار است».

پیامبر اکرم (ص) نیز بازگرداندن امانت را به صاحبش آن قدر مهم می‌دانند که می‌فرمایند حتی اگر او قاتل پیامبران باشد، باید امانتش را ادا کرد! «أَدِّ الْأَمَانَاتِ وَلَوْ أَلَى قَتْلِهِ الْأَنْبِيَاءِ» (حرانی، ۱۳۸۱، ص ۷۴)؛ امانت‌ها را رد کنید، اگرچه (صاحبش) قاتل پیامبران باشد.

خیانت در امانت و مصداق‌های آن

همان‌طور که اشاره شد، براساس آموزه‌های اسلامی، اموال عمومی (بیت‌المال)، در واقع امانت‌هایی هستند که در اختیار مسئولان و کارگزاران قرار دارند و براساس قوانین و مقررات حق استفاده از آن‌ها را دارند. لذا هرگونه سهل‌انگاری در مراقبت و حفظ آن‌ها و در نتیجه اتلاف و نابودی آن‌ها، خیانت در امانت محسوب شده و باید در دنیا و آخرت پاسخ‌گو باشند.

در اسلام خیانت در امانت در زمره رذائل اخلاقی و گناهان به‌شمار می‌رود و شدیداً نهی شده است. خیانت آن است که انسان از پرداخت حقی که نسبت به پرداخت آن متعهد شده است، سرباز زند. خداوند در قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خدا و پیامبر خیانت نکنید و (نیز) در امانات خود خیانت روا مدارید در حالی که متوجهید و می‌دانید». در آیه دیگر می‌فرماید: «... و هرکس خیانت کند در روز رستاخیز آن‌چه را در آن خیانت کرده با خود (به صحنه محشر) می‌آورد». (آل عمران، آیه ۱۶۱)

جدول ۳: خیانت در امانت

تعریف خیانت در امانت	مصداق‌های خیانت در امانت	عواقب خیانت در امانت
هرگونه سهل‌انگاری در مراقبت و حفظ امانت و در نتیجه اتلاف و نابودی آن.	- سهل‌انگاری در حفظ اموال. - اسراف و مصرف بی‌رویه. - اتلاف اموال. - استفاده غیرقانونی از اموال. - اختلاس. - خسارت به اموال. - تصرف در اموال. - بذل و بخشش‌های غیرقانونی اموال عمومی.	- از دایره همراهان و پیروان پیامبر (ص) خارج می‌شود. - در زمره منافقان قرار می‌گیرد. - باعث خساری و رسوایی شخص در دنیا می‌شود. - عقوبت سختی در آخرت خواهد داشت.

پیامبر اکرم (ص) خائنان به امانات را از همراهان و پیروان خود نمی‌دانند: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ خَانَ بِالْأَمَانَةِ» (مجلسی، ج ۷۵، ص ۱۷۲)؛ کسی که خیانت به امانت کند از ما نیست»، «لَيْسَ مِنَّا

من خان مسلماً فی أهله و ماله» (نوری، ۱۳۶۳، ص ۱۲)؛ و کسی که به مسلمانی در اهل و مال او خیانت کند از ما نیست».

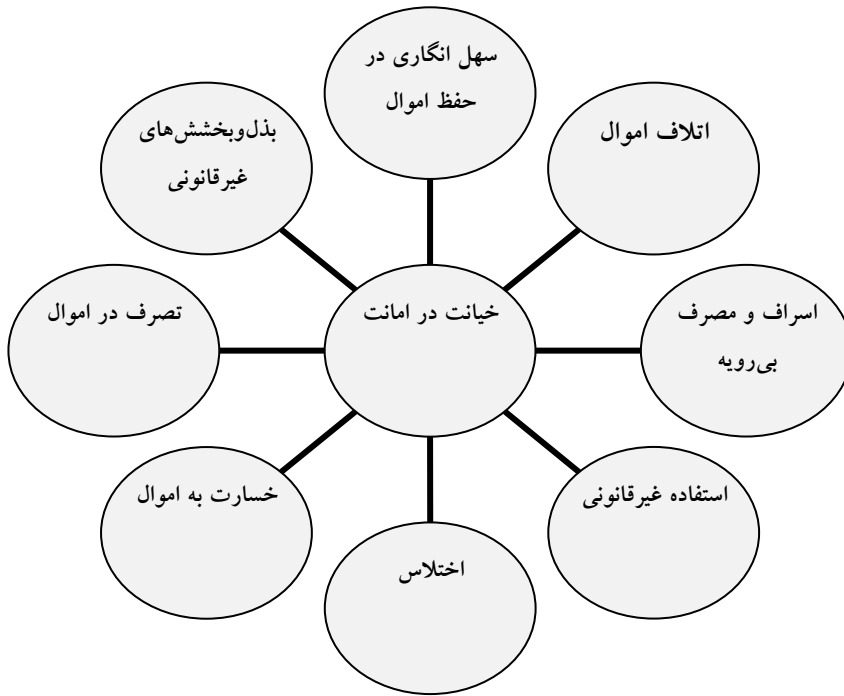
امام رضا^(ع) از قول پیامبر^(ص) می‌فرماید: «لیس منا من غش مسلماً أو ضره أو ماکره (قمی، ۱۳۶۳، ص ۳۱۸)؛ از ما نیست هر کس که در کار مسلمانی خیانت کند یا به او زیان رساند و یا با او به نیرنگ رفتار کند».

امام علی^(ع) هشدار می‌دهد که خیانت در امانت باعث خواری و رسوایی شخص در دنیا و آخرت می‌شود. ایشان در نامه‌ای به یکی از کارگزاران خود به‌نام «مخنف سلیم ازدی» یادآوری می‌کند: «کسی که امانت الهی را خوار شمارد، و دست به خیانت آلوده کند و خود و دین خود را پاک نسازد، درهای خواری را در دنیا به روی خود گشوده و در قیامت خوارتر و رسواتر خواهد بود و همانا بزرگ‌ترین خیانت، خیانت به ملت و رسواترین دغل‌کاری، دغل‌بازی با امامان است» (نهج‌البلاغه، نامه ۲۶).

از طرفی خیانت در امانت، یکی از اوصاف منافقان برشمرده شده است. چنان‌که از رسول‌خدا^(ص) نقل شده: «سه چیز است که اگر در هر کسی باشد، منافق است اگر چه روزه بدارد و نماز بخواند و گمان کند که مسلمان است. در امانت خیانت کند، در سخن دروغ بگوید و پیمان شکنی کند».

مهم‌ترین مصداق‌های خیانت در امانت عبارتند از: سهل‌انگاری در حفظ اموال، اسراف و مصرف بی‌رویه، اتلاف اموال، استفاده غیرقانونی از اموال، اختلاس، خسارت به اموال، تصرف در اموال، بذل و بخشش‌های غیرقانونی اموال عمومی.

در بخش بعد رهنمودهای اسلام برای جلوگیری از اقدامات مذکور بررسی می‌شود.



شکل ۱: مصداق‌های خیانت در بیت‌المال به‌عنوان امانت

رهنمودهای اسلام برای امانت‌داری بیت‌المال

با توجه به آنچه که ذکر شد، براساس آموزه‌های اسلامی، دقت در حفظ اموال، مصرف درست و بهینه اموال و جلوگیری از اسراف و اتلاف آن‌ها، خودداری از استفاده شخصی و غیرقانونی، پاسخ‌گویی در مقابل خسارت دیدن اموال، پرهیز از تصرف در اموال و بذل و بخشش‌های غیرقانونی اموال عمومی به دیگران، و مانند آن از جمله شرایط و الزامات امانت‌داری به‌شمار می‌روند که در بخش‌های بعد تشریح می‌گردند.



شکل ۲- مصدق‌های امانت‌داری بیت‌المال

پرهیز از مصرف بی‌رویه اموال

از جمله کارهای بسیار نکوهیده در اسلام که به بیت‌المال لطمه‌های جدی وارد می‌سازد، و از مصدق‌های خیانت در امانت به‌شمار می‌رود، «مصرف بی‌رویه» و استفاده نادرست از اموال است که اسراف، تبذیر، مصرف بیهوده از طریق تجمل‌گرایی و... از مصدق‌های آن به‌شمار می‌روند.

اسراف

اسراف در لغت به‌معنای گزاف‌کاری کردن، در گذشتن از حد میانه، تلف کردن مال و ولخرجی است (معین، ۱۳۶۰) و در اصطلاح، به‌معنای خارج شدن از حد اعتدال و میانه‌روی و زیاد مصرف کردن امکانات مادی و حیث و میل کردن است (مرکز بررسی و تحقیقات عقیدتی سیاسی، ۱۳۶۳).

«راغب» می‌گوید: «سرف» به‌معنای وسیع کلمه، تجاوز از حد، در هرکاری از کارهای انسان را گویند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۶). اگر چه واژه اسراف در امور مالی و اموال بیشتر استعمال دارد، اما در متون اسلامی این کلمه معنای گسترده‌تری دارد و شامل هرگونه ولخرجی، بی‌اعتدالی، در غیرطاعت خرج کردن، خوردن چیزی که حلال نیست و اسراف در

مورد زیاده‌روی در قتل، گناه، تکبر، مخارج، تجاوز، مسائل جنسی و غیره است. به عبارت دیگر، اسراف تنها مربوط به زیاده‌روی در مال نیست، بلکه به هر مصرفی از مال و نیرو، که در جایی که سزاوار آن نیست گفته می‌شود. مثلاً خداوند به قوم لوط که بذر را در محل نامناسبی می‌پاشید، فرمود: «شما قومی اسراف‌کارید» و یا به فرعون که دچار خود بزرگ‌بینی بود، فرمود: «او در حد بالایی از اسراف‌کاران بود» (حسینی اصفهانی، ۱۳۸۰، صص ۱۰۴-۱۰۳).

مراد از حد و سطحی که تجاوز از آن اسراف باشد، آن چیزی است که عرفاً حد میانه نامیده می‌شود؛ زیرا مرجع در شناخت مفاهیم لغوی، مصادیق عرفی آن‌ها است. بنابراین، برای شناخت متوسط باید به عرف رجوع کرد و وسط در نظر عرف، مصرف مال به اندازه احتیاج و متناسب حال شخص است. هر مصرفی این‌گونه نباشد، اسراف است. با استفاده از تعریف بالا یادآوری این نکته مهم ضروری به نظر می‌رسد: اسراف‌نکردن به معنای مصرف نکردن یا کم مصرف کردن نیست، بلکه خودداری از استفاده نادرست و نامتعادل از امکانات است.

دیدگاه قرآن در مورد اسراف: در قرآن کریم آیات متعددی در نکوهش اسراف بیان شده است، به طوری که در این کتاب آسمانی صراحتاً اشاره شده است خداوند اسراف‌کنندگان را دوست نمی‌دارد و آن‌ها را هدایت نمی‌کند، چرا که آن‌ها از یاران شیطان هستند و کفران نعمت می‌کنند. در زیر به برخی از این آیات اشاره می‌شود:

- «همانا خداوند اسرافگر دروغگو را هدایت نمی‌کند» (غافر، ۲۸).
- «...و اسراف‌نکنید که خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد» (انعام، ۱۴۱).
- «بخورید و بیاشامید، اما اسراف‌نکنید که خداوند اسراف‌کنندگان را دوست نمی‌دارد» (اعراف، ۳۱).
- «این‌گونه خداوند هر اسراف‌کار تردیدکننده‌ای را گمراه می‌کند» (غافر، ۳۴).
- «اسراف‌کاران خودشان اهل آتشند» (غافر، ۴۳).
- «و اسراف‌نکنید، همانا خداوند اسراف‌کنندگان را دوست ندارد» (اعراف، ۳۱۹).

بر همین پایه است که قرآن کریم، همراه با نفی اسراف و طرد اسراف‌کاران، اطاعت و فرمان‌برداری از آن‌ها را نیز نهی می‌نماید: «وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ» (شعراء، ۱۵۱)؛ از امر و فرمان اسراف‌کاران اطاعت نکنید».

اسراف به‌عنوان مصرف ناشایست اموال: احادیث و روایت‌های بی‌شماری از رسول اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) درباره زشتی اسراف بیان شده است که با تعبیرهای گوناگون، مؤمنان را از آن بر حذر می‌دارند.

رسول خدا (ص) اسراف را عبارت از مصرف نادرست و نامناسب اموال می‌دانند و آن‌را این‌گونه زیبا تعریف نموده‌اند: «کسی که اموالش را در موارد ناشایست مصرف کند، اسراف کرده است» (الحویزی، ج ۴، ص ۳۱).

امام علی (ع) نیز بخشیدن بیت‌المال در موارد نامناسب را از مصادیق اسراف تلقی می‌کنند و می‌فرمایند: «آگاه باشید که بخشیدن مال (بیت‌المال) در مورد ناشایست، اسراف و تبذیر است و اسراف گرچه صاحبش را در دنیا بالا می‌برد ولی در آخرت ساقطش نموده و در میان مردم عزیز می‌دارد ولی در نزد خدا پست و خوارش می‌سازد» (نهج‌البلاغه خطبه ۱۲۶).

اسراف، مصرف بیش از اندازه لازم: امام علی (ع)، مصرف بیش از حد لزوم را نیز اسراف قلمداد می‌کنند: «مَا فَوْقَ الْكَفَافِ اسْرَافٌ» (نوری، ۱۳۶۳، ص ۲۷۲)؛ آنچه بیش از حد لازم باشد، اسراف است». ایشان در ارتباط با صرفه‌جویی و پرهیز از مصرف بی‌رویه و اتلاف‌زا به کارگزاران خود چنین دستور می‌دهد: «نوک قلم‌های خود را تیز کنید، میان سطرهای نوشته، زیاد فاصله نیندازید، سخنان اضافی را حذف کنید و به اصل مطلب بپردازید، از زیاده‌روی در مصرف پرهیزید؛ زیرا بیت‌المال مسلمانان، تاب این‌گونه زیان‌ها را ندارد» (مجلسی، ج ۴۱، ص ۱۰۵).

استفاده بهینه از منابع: امام‌هادی (ع) در خصوص استفاده بهینه از منابع - که همانا لازمه بهره‌وری در مدیریت مدرن است - می‌فرماید: «التمسوا الزیاده فیها [النعیم] بالشکر علیها

(مجلسی، ج ۷۵، ص ۳۷۰)؛ با بهره‌برداری درست از نعمت‌ها، خواهان فراوانی و زیادی آن‌ها شوید.

امام علی^(ع) نیز استفاده و مصرف نادرست منابع را از عوامل اضمحلال و اختلال در یک نظام می‌داند: «كَثْرَةُ السَّرْفِ تُدْمِرُ (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۵۹)؛ مصرف بی‌رویه [نادرست] از امکانات، از عوامل هلاکت و ویرانی است».

ضرورت اعتدال و میانه‌روی در مصرف: در بسیاری از احادیث و روایات، «اقتصاد» (اعتدال و میانه‌روی در مصرف، به اندازه خرج کردن، تعادل دخل و خرج را نگاه‌داشتن)، نقطه مقابل اسراف قرار داده شده است. پیامبر اکرم^(ص) می‌فرماید: «مَنْ اِقْتَصَدَ فِي مَعِيشَتِهِ رَزَقَهُ اللَّهُ وَ مَنْ بَدَّرَ حَرَمَهُ اللَّهُ (عاملی، ۱۳۶۷، ص ۵۵۳)؛ هر کس در مصرف معاش، مقتصد باشد (میانه‌روی پیشه کند)، خداوند به او روزی می‌دهد و هرکس اسراف و بریز و پاش داشته باشد، خداوند [از رزق] محرومش می‌سازد».

امیرمؤمنان^(ع) در نامه‌ای خطاب به «زیاد بن ابیه» به وی چنین توصیه می‌کند: «از اسراف پرهیز و میانه‌روی را برگزین. از امروز به فکر فردا باش و از اموال دنیا به اندازه کفاف خویش نگهداری کن....» (نهج‌البلاغه، نامه ۲۱).

امام حسن عسکری^(ع) نیز در همین زمینه براعتدال و میانه‌روی در مصرف تأکید می‌نماید: «بر تو باد میانه‌روی و اعتدال و پرهیز از اسراف، زیرا اسراف‌کاری از اعمال شیطان است» (مجلسی، ج ۷۵، ص ۳۰۳).

تجمل‌گرایی

یکی از مصادیق اسراف و مصرف بی‌رویه، تجمل‌گرایی و توجه به زخارف دنیوی است. قرآن، پیامبر اکرم^(ص) و ائمه اطهار^(ع) همواره مردم را به بی‌توجهی نسبت به تجمل‌ها و زخارف دنیا فراخوانده‌اند. قرآن کریم در این خصوص می‌فرماید:

«به چیزی که اضافی از آنان را به آن بهره‌مند گردانده‌ایم چشم مدوز که تجمل زندگی دنیوی است تا سرانجام آنان را بدان بیازماییم، و روزی پروردگارت بهتر و پاینده‌تر است.» (طه، ۱۳۱).

در جای دیگر به مردم یادآوری می‌کند: «بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل‌گرایی و تفاخر در میان شما و افزون‌طلبی در اموال و فرزندان است» (حدید، ۲۰).

امام علی^(ع) فلسفه عدم تمایل خود به تجمل‌گرایی را به شرح ذیل بیان می‌دارد: «من نیز می‌توانم از مرغوب‌ترین نان و عالی‌ترین غسل و فاخرترین لباس حریر، بهره‌جویم ولی حاشا که (ندای وجدان را زیرپاگذارم) و از هوای نفس پیروی کنم و حرص و ولع، مرا بر سر سفره غذاهای رنگارنگ نشاندا! چراکه ممکن است در حجاز و یمامه (اقصی نقاط مملکت) کسانی باشند که آرزوی قرصی نان بردلشان باشد و طعم سیری را فراموش کرده باشند! وای بر من اگر با شکم سیر بخوابم و در اطراف مملکت، شکم‌های گرسنه و جگرهای تشنه، سر بر بالین نهند! آیا به این بسنده‌کنم که مرا امیرمؤمنان بخوانند ولی در سختی و تلخ‌کامی روزگار، غم‌خوار و پیشتاز مردم نباشم؟» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۵).

آن حضرت، هنگامی که خانه بسیار مجلل و وسیع یکی از پیروان خود (علاء بن زیاد) را دید با طعنه به وی چنین فرمود: «با این خانه وسیع در دنیا چه می‌کنی، درحالی‌که در آخرت به آن نیازمندتری؟!» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۹).

در جای دیگر به یکی از کارگزاران خود می‌فرماید: «سکه‌های طلا و نقره سر برآورده، خود را آشکار ساختند. همانا ساختمان مجلل بی‌نیازی و ثروت‌مندی تو را می‌رساند» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۵۵).

اندیشمندان اسلامی نیز به پیروی از پیشوایان دین با گوشزد کردن پیامدهای منفی این خطر برای مسلمانان، با توجه به شرایط حاکم بر زمان خود به بحث و نقد درباره این موضوع پرداخته‌اند.

ابونصر فارابی در کتاب «اندیشه‌های مدینه فاضله» اشاره می‌کند: تنها مدینه فاضله می‌تواند آدمیان را به‌رستگاری برساند. به باور او، جامعه‌های دیگر چون برپایه آرمان‌های

غیرحقیقی و ناآگاهانه مردم شکل می‌گیرند، به‌گونه‌ای با مدینه فاضله در تضاد و تعرض‌اند. فارابی یکی از این جامعه‌ها را «مدینه خست و خشوت» می‌داند. هدف مردم از این جامعه بهره‌گیری از بیش‌ترین لذت‌هاست. فعالیت‌های اعضای این جامعه از مرز ضرورت زندگی می‌گذرد و به مرحله لذت‌پرستی و تمتع کامل می‌رسد. ملاک برتری در این جامعه، میزان تمتع و بهره‌وری از لذت‌هاست. مردم این جامعه از تأمین ضرورت زندگی، گذشته و توان‌گر شده و به‌نهایت تمتع از لذت‌ها رسیده‌اند. به همین دلیل، دیگر «مدن جاهلیه» به آن‌ها رشک می‌برند. فارابی گروه تجمل‌پرست را جاهل می‌داند که از راه رستگاری، دور افتاده‌اند و رستگاری را بهره‌مندی و لذت‌جویی هر چه بیشتر از مادیات می‌دانند.

خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب *اخلاق ناصری* در این زمینه می‌نویسد: «مصرف کردن مال در زواید مانند شهوات و لذات، اسراف است و اگر انسان زیاد از حد نیاز خودش خرج کند، باز هم اسراف است».

تجمل‌گرایی امری نسبی است؛ زیرا برای رفتار انسان‌ها در هر زمان و مکان و شرایطی نمی‌توان حکم کلی بیان کرد. ممکن است چیزهایی در زندگی یک فرد و در یک مکان و زمان خاص، تجمل به‌شمار آید؛ ولی همان‌ها در زندگی شخص دیگری و در مکان و زمان دیگری تجمل نباشد. هنگامی که جامعه با مشکل اقتصادی روبه‌رو است و بیشتر مردم دچار فقر و گرسنگی هستند، اگر فرد یا افرادی، این شرایط را نادیده بگیرند و به سفره‌آرایی رنگین پردازند، کارشان تجمل‌گرایی و اسراف است. برعکس اگر زمانی که همه مردم در رفاه نسبی به سر می‌برند، آنان چنین کنند - البته تا جایی که به اسراف نینجامد - تجمل به‌شمار نخواهد آمد.

تبذیر

از جمله انحرافات که قرآن کریم در مورد مصرف اموال از آن یاد کرده «تبذیر» می‌باشد، چنانچه می‌فرماید: «ولا تبذر تبذیرا ان المبذرين كانوا اخوان الشیاطین و كان الشیطان لربه کفورا» (اسراء، ۲۶ و ۲۷).

«و هرگز تَبذیر مکن، چرا که تَبذیرکنندگان، برادران شیاطینند و شیطان (نعمت‌های) پروردگارش را کفران می‌کند».

تَبذیر از نظر مفهومی، جدا از اسراف نیست و با آن ارتباط نزدیک دارد و اغلب در متون اسلامی همراه با آن می‌آید؛ چون هردو از مصادیق مصرف بی‌رویه مال (یعنی مصرف در مواردی که سزاوار نیست؛ یا عدم استفاده کامل و عقلایی از مال) می‌باشد. با این حال، تَبذیر از نظر لغوی به معنای متفرق کردن (پراکندن) و پخش کردن است (و اصل آن پاشیدن بذر است) و به‌طور استعاره‌ای درباره هر کسی که مال خود را ضایع کند و نداند نتیجه مالش چه می‌شود، استعمال می‌شود (حسینی اصفهانی، ۱۳۸۰، صص. ۱۰۴ - ۱۰۳). به عبارت دیگر، به ریخت و پاش‌های غیرمنطقی و ضایع کردن نامعقول اموال و دارایی‌ها تَبذیر می‌گویند.

امام صادق^(ع) تَبذیر را یکی از جنبه‌های اسراف می‌داند: «إِنَّ التَّبذِيرَ مِنَ الْإِسْرَافِ» (همان، ص ۱۰۵)؛ ریخت و پاش نمودن مال از (مصادیق) اسراف است».

خودداری از استفاده شخصی و غیرقانونی از اموال عمومی

برخی از مسئولان و کارکنان، علی‌رغم ممنوعیت قانونی، خود را در استفاده شخصی از اموال عمومی ذیحق می‌دانند و متأسفانه، گاهی این موضوع از سوی مسئولان بالاتر آن‌ها نادیده گرفته می‌شود. امیرمؤمنان^(ع) در این خصوص می‌فرماید: «هرگز روا نیست که انسان تنگ نظر برناموس، جان، مال، احکام و قوانین و پیشوایی مسلمانان گمارده شود تا حرص و ولع خویش را بر بیت‌المال تحمیل کند» (مجلسی، ج ۲۵، ص ۱۶۷).

ایشان در نامه به یکی از فرماندارانش به وی چنین هشدار می‌دهند:

«اما بعد! درباره تو به من جریانی گزارش شده است، که اگر انجام داده باشی پروردگارت را بخشم آورده‌ای. امامت را عصیان کرده‌ای و امانت (فرمانداری) خود را به‌رسوایی کشیده‌ای».

به من خبر رسیده که تو زمین‌های آباد را ویران کرده‌ای و آنچه توانسته‌ای تصاحب نموده‌ای و از بیت‌المال که زیر دستت بوده به خیانت خورده‌ای. فوراً حساب خویش را برآیم بفرست و بدان که حساب خداوند از حساب مردم سخت‌تر است!» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۰).

به هر حال، همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، خیانت یا سوءاستفاده از اموال عمومی حرام و گناه محسوب می‌شود و عقوبت اخروی به دنبال دارد. از طرف دیگر موجب ضمانت است و جزا و عقوبت دنیوی در قالب تعزیرات را نیز در پی دارد.

پرهیز از بذل و بخشش‌های غیرقانونی

برخی از مدیران و کارگزاران ممکن است شخصاً از مصرف و استفاده شخصی و غیرقانونی اموال عمومی خودداری کنند، اما بنا به دلایل خاص، زمینه را برای استفاده شخصی اطرافیان، یاران و نزدیکان خود فراهم می‌نمایند و برای افزایش محبوبیت کاذب خود از بذل و بخشش‌های غیرقانونی اموال به دیگران ابایی ندارند.

قبلاً اشاره شد که امام علی^(ع)، بذل و بخشش‌های نابه‌جای بیت‌المال را از مصداق‌های اسراف و تبذیر می‌دانند و معتقدند که اگرچه این کار در دنیا باعث عزت و بزرگی فرد می‌شود ولی در آخرت او را نزد خدا پست و خوار می‌کند (نهج‌البلاغه خطبه ۱۲۶).

در همین راستا، ایشان فرمانداران و کارگزاران خود را به شدت از بذل و بخشش ناعادلانه اموال عمومی به دیگران، به‌ویژه اطرافیان، برحذر می‌دارد. به‌عنوان مثال، در نامه‌ای معروف به عهدنامه مالک‌اشتر، وی را از بخشیدن مال به نزدیکانش باز می‌دارد: «... و به هیچ‌کدام از اطرافیان و نزدیکانت زمین واگذار مکن و با آنان به گونه‌ای رفتار کن که قراردادی به سودشان منعقد نگردد که به مردم زیان رساند» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

همچنین، امام^(ع) در نامه‌ای به «مصقله بن هبیره» فرماندار «اردشیرخره» (فیروزآباد فارس)، در مورد بذل و بخشش‌های وی به خویشاوندانش به شدت برآشفته‌شده و به او چنین هشدار می‌دهد:

«گزارشی از تو به من دادند که اگر چنان کرده باشی، خدای خود را به خشم آورده‌ای و امام خویش را نافرمانی کرده‌ای. خبر رسید که تو غنیمت مسلمانان را که نیزه‌ها و اسب‌هاشان گردآورده و با ریخته‌شدن خون‌هایشان به دست آمده، به اعرابی که خویشاوندان تو هستند و تو را برگزیدند، می‌بخشی! به خدایی که دانه را شکافت و پدیده‌ها را آفرید، اگر این گزارش درست باشد، در نزد من خوار شده و منزلت تو سبک گردیده است! پس حق پروردگارت را سبک مشمار و دنیای خود را با نابودی دین آباد نکن که زیانکارترین انسانی. آگاه باش! حق مسلمانانی که نزد من یا پیش تو هستند، در تقسیم بیت‌المال مساوی است...». (نهج‌البلاغه، نامه ۴۳).

ایشان، در مورد بازداشتن دیگران از بذل و بخشش‌های غیرقانونی صرفاً شعار یا دستور نمی‌دهند، بلکه خود از این لحاظ به‌عنوان الگویی عملی، رفتار می‌نمایند. برخوردهای عدالت‌محور امام^(ع) در تقسیم بیت‌المال بین مردم به روشنی نشان می‌دهد که ایشان شخصاً از هرگونه تسامح در بخشش بیت‌المال مسلمین خودداری می‌نمود و کوچک‌ترین بی‌توجهی به حقوق مردم را تحمل نمی‌کرد. آن حضرت در این خصوص می‌فرمایند: «(حتی) اگر اموال بیت‌المال از آن خودم بود، به‌گونه‌ای مساوی در میان مردم تقسیم می‌کردم، چه رسد که جزء اموال خدا است» (نهج‌البلاغه، خ ۱۲۶).

رفتار آن امام با عقیل - برادرش - که در خواستی اضافه بر حقتش از خزانه بیت‌المال داشت، نمونه‌ای از حساسیت ایشان نسبت به تقسیم عادلانه بیت‌المال است. ایشان در پاسخ «عبدالله بن زمعه» که از یاران آن حضرت بوده و درخواست اموالی از بیت‌المال را از آن حضرت داشت می‌فرماید:

«این اموال که می‌بینی نه مال من و نه از آن توست، غنیمتی گرد آمده از مسلمانان است که با شمشیرهای خود به دست آورده‌اند. اگر تو در جهاد همراه‌شان بوده‌ای، سهمی هم‌چون سهم آنان داشتی، و گرنه دسترنج آنان خوراک دیگران نخواهد بود» (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳۲).

پاسخ‌گویی در قبال خسارت به اموال عمومی

همان‌طور که اشاره شد، براساس آموزه‌های اسلامی همه امانت‌داران یا صاحب اختیاران اموال و کسانی که حق تصرف در آن‌ها را دارند، به‌ویژه مسئولان و کارگزاران موظف به حفظ، نگهداری و مراقبت از اموال تحت تصرف یا اختیار خود هستند و باید از استهلاک و ضایع شدن آن‌ها جلوگیری کنند. پیامبر اکرم (ص) در این خصوص می‌فرماید: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ يُحَقِّرُ الْأَمَانَةَ حَتَّى يَسْتَهْلِكَهَا إِذَا اسْتُودِعَهَا (مجلسی، ج ۷۵، ص ۱۷۲)؛ از ما نیست آن که امانت را بی‌اهمیت شمارد و بدین سبب امانتی را که به وی سپرده شده، مستهلک و ضایع گرداند».

امانت‌دار، در قبال اتلاف و خسارت زدن به اموال عمومی مسئول است. این موضوع از طریق یکی از اصول و قواعد فقهی مرتبط با اموال، که به «قاعده اتلاف» شهرت یافته است، قابل توجیه می‌باشد. براساس این قاعده: کسی که مال دیگری را تلف کند، مسئول جبران آن است (من اتلف مال الغير فهوله ضامن)؛ بدین معنا که هرکس بر مال دیگری دسترسی یا کنترل داشته باشد، ضامن یا مسئول اتلاف، نقص یا فساد آن است. مستند این اصل، حدیث نبوی «علی‌الدیما اخذت حتی تؤدی» است، یعنی: مسئولیت مال تا زمانی که به مالک اصلی برگردانده نشده، به‌عهده متصرف آن است. بدین ترتیب، امانت‌دار یا صاحب اختیار اموال موظف است عین مال را به صاحبش بازگرداند و یا در صورت تلف شدن یا استهلاک آن، مثل یا قیمت آن را تحویل دهد (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۵۶).

در تحقق این مسئولیت علم و جهل تحویل‌گیرنده و متصرف نیز اثر ندارد. پس اگر کسی ملک دیگری را مال خود پندارد و در آن تصرف کند یا در اثر عقد و قرارداد، بر مال دیگری مسلط شود، ضامن و مسئول است.

البته، ناگفته نماند که از نظر فقه اسلام «امانت‌دار ضامن نیست مگر آن‌که تعدی و یا تفریطی از او سرزند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۶۳، ص ۵۱۳). بنابراین اگر شخصی، مالی را از دیگری با اذن صاحب آن مال در اختیار خود داشته باشد، در مقابل خساراتی که به آن مال وارد می‌شود ضامن نیست، مگر آن‌که در خسارات وارده مقصر شناخته شود.

صلاحیت امانت‌داری بیت‌المال به‌عنوان یکی از شرایط کارگزاران از دیدگاه اسلام

اموال عمومی یا بیت‌المال نزد کسانی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با آن سروکار دارند، امانت محسوب می‌شود. از این‌رو برای حفظ اموال عمومی از هرگونه خیانت و حیف‌ومیل، باید افرادی بر آن گماشته شوند که شایستگی لازم برای امانت‌داری را داشته باشند. از دیدگاه امام صادق^(ع) اموال را باید در اختیار افرادی قرارداد که حق‌شناس باشند و از نحوه مصرف درست آن‌ها آگاه باشند: «سپردن اموال به‌دست کسانی که حق را نشناخته و نحوه مصرف درست آن را نمی‌دانند موجب نابودی اسلام و مسلمین می‌شود».

اموال عمومی از حساسیت خاصی برخوردار است، از این‌رو کسانی می‌توانند از عهده نگهداری و حفظ آن از هرگونه سوءاستفاده برآیند که امین باشند و در امانت خیانت نکنند. به تعبیر قرآن کریم، بهترین و شایسته‌ترین فرد برای استخدام کسی است که قوی و امین باشد: «إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قصص، آیه ۲۶). هم‌چنین، از قول حضرت یوسف خطاب به حاکم مصر می‌فرماید: «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف، آیه ۵۵)؛ (یوسف) گفت: مرا خزانه‌دار سرزمین مصر منصوب کن که من نگهدارنده و آگاهم».

از بیان قرآن کریم چنین استنباط می‌شود: کسی که با بیت‌المال سروکار دارد و عهده‌دار حفظ و مصرف آن است، اولاً باید نگهدارنده‌ای امین بوده و اهل خیانت نباشد و ثانیاً آگاه و مدبر بوده و در جای مناسب آن را مصرف کند یعنی مبذر و مسرف نباشد.

امام علی^(ع) نیز امانت‌داری را در کنار کفایت و صلاحیت، از جمله شرایط لازم برای کارگزاران می‌داند: «در انتخاب کارگزاران و فرمانروایان هیچ شفاعتی جز شفاعت صلاحیت و امانت‌داری آنان را نپذیر» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸۴).

نتیجه‌گیری

بر اساس آموزه‌های اسلامی، بیت‌المال یا اموال عمومی نزد تحویل‌گیرندگان، نگه‌دارندگان و به‌طور کلی کسانی که با آن سروکار دارند، به‌عنوان امانت می‌باشد. این افراد با هر پست و

مقامی به اسم «امین» نامیده می‌شوند. تمام مدیران و کارگزاران نهادهای دولتی، نظامی و انتظامی که به‌گونه‌ای با این اموال سروکار دارند، امانت‌دار محسوب می‌شوند و باید به مثابه امین به وظیفه خود عمل کنند. به این دلیل است که امانت‌داری به‌عنوان فعل مکلف یکی از مباحث مهم در علم فقه و حقوق را تشکیل می‌دهد.

این مقاله، به‌منظور بررسی رهنمودهای اسلام در مورد امانت‌داری، حفظ و نگهداری اموال عمومی (بیت المال) تدوین یافت. به‌طور کلی، براساس بررسی آیات، احادیث و روایات اسلامی نتایج ذیل به‌دست آمد:

۱. در متون اسلامی به تمامی امکانات، تجهیزات و ابنیه یا اموالی که در جامعه جنبه عمومی دارد، بیت‌المال یا اموال عمومی می‌گویند. بنابراین بیت‌المال متعلق به عموم مردم است و کل جامعه در آن ذی‌حق است، بنابراین همه در قبال حفظ، حراست و نگهداری از آن‌ها مسئول و متعهد می‌باشند، اما براساس آموزه‌های اسلامی نقش و مسئولیت مدیران و کارگزاران دولت اسلامی در این خصوص دوچندان است.

۲. یکی از ویژگی‌های مؤمنان در اسلام امانت‌داری می‌باشد که عبارت است از حفظ و نگهداری اموال یا اطلاعات تحویل گرفته شده و دقت در مصرف یا استفاده از آن‌ها، حفظ و ادای امانت و هم‌چنین پای‌بند بودن به عهد و پیمان خود در این خصوص.

۳. در اسلام خیانت در امانت در زمره رذائل اخلاقی و گناه به‌شمار می‌رود و شدیداً نهی شده است که مهم‌ترین مصداق‌های آن عبارتند از: سهل‌انگاری در حفظ اموال، اسراف و مصرف بی‌رویه، اتلاف اموال، استفاده غیرقانونی از اموال، اختلاس، خسارت به اموال، تصرف در اموال و بذل و بخشش‌های غیرقانونی اموال عمومی.

۴. براساس آموزه‌های اسلامی، دقت در حفظ اموال، مصرف درست و بهینه اموال و جلوگیری از اسراف و اتلاف آن‌ها، خودداری از استفاده شخصی و غیرقانونی، پرهیز از بذل و بخشش‌های غیرقانونی اموال عمومی به دیگران، پاسخ‌گویی در قبال خسارت‌زدن به اموال و مانند آن از جمله شرایط و الزامات امانت‌داری به‌شمار می‌روند.

۵. از دیدگاه اسلام، خیانت در امانت از طریق خسارت، تعدی، تصرف، سوءاستفاده از اموال و غیره، گناه بزرگی است که ضمن این که مستوجب مجازات اخروی است، عواقب دنیوی چون خواری و رسوایی در دنیا را نیز به دنبال داشته و مستلزم تنبیه و مجازات دنیوی می‌باشد.

با توجه به موارد مذکور، لازم است مدیران، کارگزاران و کارکنان در جامعه اسلامی - به‌ویژه مسئولان و مدیران لجستیکی - حساسیت بیشتری نسبت به بیت‌المال نشان دهند و زمینه‌های لازم را برای اجرای رهنمودهای اسلامی در جهت امانت‌داری، حفظ و نگهداری اموال عمومی فراهم سازند.

منابع و مأخذ

- قرآن مجید
- نهج البلاغه
- آمدی، عبدالواحد تمیمی (۱۳۶۶)؛ غررالحکم و دارالحکم، تهران: دانشگاه تهران.
- بی‌آزارشیرازی، عبدالکریم (مترجم) (۱۳۶۳)؛ "رساله نوین امام خمینی"، (مسائل اقتصادی)، تهران: انجام کتاب.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۳)؛ "ترمینولوژی حقوق"، چاپ اول، تهران: بنیاد راستاد.
- جلالی، امیر طه و احمد بی‌طرف (۱۳۸۴)؛ "بیت‌المال و اهمیت آن در سیره پیامبر (ص)" و حضرت علی (ع)، فصلنامه فرآمد، سال هفتم، ش ۲۴ و ۲۵.
- حرانی، ابن شعبه؛ تحف العقول، تحقیق: علی اکبر غفاری (۱۳۸۱)، چاپ دوم، قم: نشر الاسلامی.
- حق پرست، شعبان (۱۳۷۹)؛ "نگهداری اموال عمومی از نگاه فقه و حقوق"، مجموعه مقالات اولین همایش سراسری نگهداری ارقام.
- حلم زاده، علیرضا (۱۳۸۰)، "رمز قوام جامعه ضرورت و اهمیت حفظ اموال مسلمین"، مجموعه مقالات اولین همایش مدیریت سیستمی در کنترل اموال، چاپ اول.
- الحویزی، عبدالعلی (بی‌تاریخ)، نورالثقلین، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، قم: المطبعه العلمیه.
- حسینی اصفهانی، سید مرتضی (۱۳۸۰)؛ اسلام و راه کار فاصله طبقاتی، انتشارات فرهنگ قرآن.
- خوانساری، آقا جمال (۱۳۷۳)؛ شرح غررالحکم، تهران: دانشگاه تهران.
- اصفهانی، راغب (بی‌تاریخ)؛ «معجم مفردات الفاظ القرآن»، دارالکتب العربی.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۳)؛ فروغ ابدیت، ج ۱، چاپ نهم، تهران: انتشارات دفتر تبلیغ اسلامی.

- طوسی، خواجه‌نصیرالدین، اخلاق ناصری، تصحیح و تطبیق مجتبی مینوی و علیرضا حیدری (۱۳۶۰)، چاپ ۲، تهران: خوارزمی.
- عاملی، محمدبن حسن حر (۱۳۶۷)، وسائل الشیعه، تهران: اسلامیه.
- عمید، حسن (۱۳۶۱)؛ فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- فارابی، ابونصر؛ سیاست مدینه، ترجمه سید جعفر سجادی (۱۳۵۸)، تهران: انجمن فلسفه و حکمت.
- قمی، عباس (۱۳۶۳)، سفینه البحار، تهران: انتشارات فراهانی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴)؛ حقوق مدنی، ج ۲، ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- کلینی، ثقه الاسلام (۱۳۶۵)؛ اصول کافی، تهران: دارالکتب اسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار، ج ۲۵، ۴۱، ۷۲، ۷۵، تهران: اسلامیه.
- مرکز تحقیقات عقیدتی سیاسی (۱۳۶۳)، "اسراف و موارد آن در جبهه"، چاپ اول.
- معین، محمد (۱۳۶۴)؛ "فرهنگ فارسی"، چاپ هفتم، تهران: امیرکبیر.
- نوری، حسین (۱۳۶۳)؛ مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت.

